

جبران نماید. مذهب و فلسفه و هنر و ادبیات همه وسایل بسیرگرانه‌ای هستند که بشر با توسل به آنها میکوشد کشمکش‌های ذهنی خویش را حل کند و در ذهن خود آرامشی بوجود آورد. مؤسسان و یشماری وجود دارند که برای مواجهه با کشمکش‌های بزرگ زندگی فرمون‌هایی ساخته و پرداخته‌ای دارند.

جبران ممکن است برای شخصی که دارای احساس حقارت شدیدی است ایده‌آلها و هدفهای فرضی ایجاد کند. میں خود نمائی و اغترار کمال ممکن است تا اندازه‌ای از احساس رنج و حقارت بکاهد شخص بتواند لایق ممکن است هدفها و ایده‌آلهای دور و دراز برای خود تعیین کند و آنگاه دیگران را مورد انتقاد و ملامت قرار دهد که چرا هدفهای عالی و بلندی مانند ایده‌آلهای او ندارند لکن هدفهای عالی و غیر عملی خودش او را از ملامت و انتقاد شدید میرهاند بدین معنی که هدف آنقدر بلند و غیر عملی است که عدم موفقیت در نیل بآن گناه قابل انتقادی بنظر نرسد. این کیفیت تا اندازه‌ای شبیه بخود فریفتن است. توضیح آنکه مدیر تو تفکر نامشروعی برای خود احترام و آرامش ذهنی خریداری می‌کنیم، بنابراین نیز شخصی که احساس حقارت میکند ممکن است کاری انتخاب نمید که بکاری که قبلاً در آن شکست خورده است ارتباط زدیث داشته باشد و بدین طریق مردی که در شغلی شکست خورده است ممکن است، تعبیه این شغل بدیگران رنج شکست خود را جبران کند. او ممکن است خوش قادر بانجام کاری نباشد لکن بدیگران میتواند بگوید چکار کنند آن کار را برای خود کار و علاقه‌ای که بآن دارند تعقیب نمیکند، که تب آن عنوان جبران حقارت خود ادامه میدهند کار بری آن برده‌ای است که

حقارتشان را مستور میدارد. زنی که نخست در مقابل پدر و بعد در برابر شوهر خویش احساس حقارت میکند ممکن است در سلاک یکی از پرشورترین و متعصبترین مدافعین حقوق زنان در آید. مردی که در مقابل زنان چون برف در آفتاب آب میشود و از نزدیک شدن به آنها سخت می ترسد ممکن است بتدریج بمنزله مخالف سرسخت زن تلقی گردد و از این لحاظ بعنوان متخصص در شناختن جنس لطیف بشمار رود و خود این شهرت را بعنوان جبران حقارت اولیه خود بیش از پیش تقویت نماید. اشخاصی که از حرف زدن بیم دارند و در هر قدمی از ترس هزاران احتیاط مرعی میدارند ممکن است بعنوان اشخاص باهوش و مدبر قلمداد گردند و اشخاصی که از این راه بهره مند شده اند آنرا بعنوان وسیله تجارتی در زندگی اجتماعی بکار می برند. این اقدام آنها يك نوع جبران است.

يك شكل دیگر جبران را نیز باید یادآور شد ممکن است این شكل را صورت تخصصی نام نهاد. فی المثل جیمی کلرش درد پرستان از هر حیث رضایت بخش است و چه در درس و چه در ورزش يك شاگرد عادی بنظر میرسد ولی خودش به حد عادی راضی نیست و میل دارد ستاره شود و مانند هر ستاره ای بدرخشد اما احساس میکند آن استعداد و لیاقتی که برای تجاوز از حد عادی لازم است ندارد و در نتیجه خودش را میخورد و بیش از پیش درد احساس ناراحتی می کند. ناگهان راه حلی بنظرش میرسد. بدینتراز که يك عازقه غیر معمول و جالب توجهی برای خود می تراشد از فیروز علاقه به نجوم، فلسفه، زبان میخی و حتی ساکسوفون و غیره که با چیزهای مورد علاقه پسرانی بسن او فوق العاده دور باشد. هنگامی که یکی از دوستانش، هارا انتخاب کرد تا اوله و حرص هر چه تماشا شروع بمطالعه













در هر صورت برای جبران احساس حقارت و سائل بسیار مؤثری در اختیار آدمی است. همچنین برای ریشه کن کردن این حس از نهادش و سائل وجود دارد که متأسفانه عاقلانه نیست و توسل بآنها خطرات فراوان دربردارد.































































